



ابزارهایی موافق با کسری بودجه در اقتصاد اسلامی

مندرجات

مشربین:

محمد نعمتی، مهدی محمدی و محمد جواد رضانی

فهرست مطالب

۹.....	سخن ناشر
۱۱.....	مقدمه مترجمین
۱۳.....	بانک توسعه اسلامی
۱۳.....	تأسیس بانک توسعه اسلامی
۱۳.....	هدف
۱۳.....	وظایف
۱۴.....	عضویت
۱۴.....	سرمایه
۱۵.....	دفتر مرکزی
۱۵.....	سال مالی
۱۵.....	زبان
۱۷.....	پیشگفتار
۲۱.....	مقدمه
۲۱.....	بیان مسئله و هدف از پژوهش
۲۳.....	ارتباط و اهمیت این مطالعه

۶ - ابزارهای مواجهه با کسری بودجه در اقتصاد اسلامی

فصل ۱. اصول استقراض از مردم و تأمین مالی در اسلام.....	۲۵
۱-۱. اصل بیع	۲۸
۱-۲. اصل تسهیم سود و زیان	۳۲
۱-۳. اصل تسهیم محصول	۳۵
فصل ۲. آیا اقتصاد اسلامی باید ابزارهایی را جهت رفع کسری بودجه، مورد مطالعه قرار دهد؟.....	۳۹
۲-۱. تدارک کالاهای اجتماعی - چشمانداز اسلامی	۴۰
۲-۲. جایگزینهای برای تدارک عمومی کالاهای خصوصی	۴۳
۲-۲-۱. تدارک داوطلبانه کالاهای عمومی	۴۴
۲-۲-۲. تدارک کالاهای عمومی با انگیزه سود	۴۷
۲-۳. ضمانت شخص ثالث: انگیزه‌ای جهت تدارک کالاهای عمومی توسط بخش خصوصی	۵۲
فصل ۳. ابزار مالی پیشنهاد شده برای بخش عمومی در اقتصاد اسلامی.....	۵۹
۳-۱. ابزارهای مالی غیر بدھی	۶۲
۳-۱-۱. ابزار مالی اجاره	۶۴
۳-۱-۲. ابزارهای مشارکت در سود و زیان	۶۸
۳-۱-۳. ابزارهای تسهیم محصول	۷۷
۳-۲. ملاحظات کلی پیرامون ابزارهای تأمین مالی پروژه‌های عمومی	۸۰
۳-۲-۱. استناد و روش‌های بدھی عمومی	۸۵
۳-۲-۲. بدھی‌های عمومی داوطلبانه	۸۸
۳-۲-۳. استقراض اجباری [یا غیر داوطلبانه] از مردم	۹۸
۳-۲-۳-۱. نکاتی کلی پیرامون ابزارهای بدھی عمومی	۱۰۲
۳-۲-۳-۲. چند موضوع مهم در استقراض از مردم	۱۰۶
۳-۲-۳-۳. شرایط استقراض از مردم در شریعت	۱۰۷

فهرست مطالب ۷

۱۲۲.....	۳-۳-۳. سپرده‌های دیداری، حق الضرب و بدھی اجباری عمومی
۱۲۵	فصل ۴. نتیجه‌گیری و خلاصه
۱۳۱	کتاب‌شناسی
۱۳۷.....	فهرست منابع پاورپوینت‌ها

سخن ناشر

مقدمه مترجمین

رسالت فقهاء و اندیشمندان شیعی همانا اظهارنظرهای دقیق و علمی بر مبنای روش‌شناسی فقهی و اصولی در مقابل مسائل مستحدثه بوده تا همان‌گونه که از نهاد دین انتظار می‌رود مسلمانان با عمل بدین راهکارها، استقلال اقتصادی و سیاسی خود را حفظ نمایند. علماء شیعه به لحاظ تاریخی از حضور فعالانه در برابر شکل‌گیری بسیاری از مؤلفه‌های وارداتی حیات اجتماعی غرب در داخل کشورهای اسلامی بازمانده‌اند. دولت مدرن، اقدامات اقتصادی دولت، مالیات ستانی (به شکل کنونی)، استقرار پولی از بانک‌ها و سامان‌یافتن بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی در قالب بودجه همه و همه از لوازم سازماندهی کنونی جوامع [مسلمان و غیر مسلمان] گردیده است. اقتصاد اسلامی با هر تلقی‌ای که از آن وجود دارد یکی از وظایف خود را سیاست‌گذاری و حل مشکلات کنونی جوامع با ارائه راهکارهایی مبتنی بر احکام و تعالیم دینی قرار داده است. قدم نخست در دستیابی به جامعه مطلوب اسلامی، فهم اوضاع کنونی و تلاش برای بروز رفت از پیامدهای نامطلوب برخی مسائل مستحدثه آن‌هم برآسانس موازین شرعی است.

۱۲ لـ ابزارهای مواجهه با کسری بودجه در اقتصاد اسلامی

انقلاب اسلامی ایران نوید بخش حرکتی نو در بازتعريف حکومت و اداره جامعه از نگاه شیعه بود. گرچه تلاش‌های بسیاری در فهم و بیان نظریات مبنی بر اعتقادات شیعه در نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... انجام شد اما هنوز به سطح مطلوب در اسلامی نمودن نهادها و ساختارهای اقتصادی دست نیافتدایم.

ترجمه برخی کتب و مقالات و مطالعه کوشش‌های دیگر اقتصاددانان مسلمان، گرچه به هیچ عنوان ما را از کنکاش در منابع شیعی و مجاهدت در راستای دست‌یابی به نظام نظری مطلوب اسلامی مستغنی نمی‌کند، اما می‌تواند دریچه‌ای به منظور آشنازی با برخی روش‌ها و نظام‌های فکری که قربتی با مبانی فکری ما دارند، تلقی گردد.

کوشش اولیه در ترجمه‌این کتاب نیز کمک به سیر چنین طریقی است و البته نیازمند تدقیق و تعمیق بیشتری می‌باشد. لازم به ذکر است که در ارائه مطالب از جانب مترجمین سعی گردیده که در موارد مورد نیاز در مقابل نظر فقه اهل سنت، نظری که در حال حاضر مورد قبول فقهای شیعه بوده و یا آنکه ادله آن مورد قبول می‌باشد مطرح شود هرچند که وارد جزئیات استدلال‌ها نشده‌ایم. امید که این اثر مورد استفاده جامعه اندیشمندان اقتصادی کشور قرار گیرد.

محمد نعمتی، مهدی موحدی بکنظر، محمدجواد رضائی

دانشگاه امام صادق(علیه السلام)

مهرماه ۱۳۸۸

بانک توسعه اسلامی

تأسیس بانک توسعه اسلامی

بانک توسعه اسلامی یک نهاد مالی بین‌المللی است که در پی بیانیه‌ای توسط کنفرانس وزرای دارایی کشورهای مسلمان که در ذی القعده سال ۱۳۹۳ هجری قمری (دسامبر سال ۱۹۷۳) برگزار شد، تأسیس گشت.

هدف

هدف این بانک پیش برد توسعه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی کشورهای عضو و جوامع مسلمان بنابر اصول شریعت اسلامی است چه به طور مجزا و چه به طور مشترک.

وظایف

از وظایف این بانک درکنار کمک مالی به کشورهای عضو آن‌هم کمک به اشکال دیگر توسعه اقتصادی و اجتماعی، مشارکت در دارایی مالی و تضمین وام‌ها به

۱۴ لـ ابزارهای مواجهه با کسری بودجه در اقتصاد اسلامی

پروژه‌های تولیدی و مؤسسات است. همچنین لازم است بانک، صندوق‌های ویژه‌ای را جهت اهداف خاصی که شامل صندوقی برای کمک به جامع مسلمان غیر عضو است علاوه بر ایجاد صندوق امانی، تأسیس و مدیریت نماید. دریافت سپرده‌ها و تهیه وجوده از هر راه دیگری، در اختیار بانک قرار داده شده است. همچنین بانک عهده‌دار مسئولیت کمک به گسترش بازرگانی خارجی به خصوص [تجارت] کالاهای سرمایه‌ای میان کشورهای عضو، گسترش تسهیلات آموزشی برای کارکنانی که در فعالیت‌های توسعه مشغول هستند و به عهده گرفتن امر پژوهش مطابق شریعت اسلامی جهت گسترش فعالیت‌های اقتصادی، مالی و بانکداری در کشورهای مسلمان می‌باشد.

عضویت

در حال حاضر اعضای بانک شامل ۵۰ کشور است. شرط اساسی برای عضویت عبارت است از اینکه کشور متقاضی عضویت، باید یکی از اعضای سازمان کنفرانس اسلامی^۱ بوده و حاضر به قبول ضوابط و شرایطی باشد که ممکن است توسط هیئت مدیره تصویب گردد.

سرمایه

سرمایه در اختیار بانک شش میلیارد دینار اسلامی است. ارزش دینار اسلامی که یک واحد محاسبه در این بانک محسوب می‌شود برابر یک حق برداشت ویژه

1. Organization of the Islamic Conference

(SDR)^۱ صندوق بین المللی پول^۲ است. سرمایه ثبت شده بانک ۳,۶۵۴.۷۴ میلیون دینار اسلامی است که آزادانه به هر ارز قابل قبولی در بانک قابل تبدیل است.

دفتر مرکزی

شعبه مرکزی بانک در جده، عربستان سعودی واقع است و این اختیار را دارد تا نمایندگی‌ها و شعبه‌هایی را در هر جایی تأسیس نماید.

سال مالی

سال مالی بانک، سال هجری قمری است.

زبان

زبان رسمی بانک، عربی است اما انگلیسی و فرانسوی نیز به عنوان زبان‌های کاری استفاده می‌شود.

1. Special Drawing Right
2. International Monetary Fund

پیش‌گفتار

مؤسسه آموزش و پژوهش اسلامی (IRTI) وابسته به بانک توسعه اسلامی (IDB) «به جهت عهده‌داری پژوهش برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی، مالی و بانکداری در کشورهای مسلمان آن هم مبتنی بر شریعت اسلامی» در سال ۱۴۰۱ ه.ق (۱۹۸۱) تأسیس شده است. IRTI به منظور پیاده کردن مسئولیت‌های ایش توجه ویژه‌ای را صرف پژوهش در عرصه اقتصاد، بانکداری و مالیه اسلامی می‌کند. رساله حاضر راجع به «ابزارهای مواجهه با کسری بودجه در اقتصاد اسلامی»، عهده دار بخشی از برنامه پژوهشی IRTI در مورد جنبه‌های مختلف اقتصاد اسلامی است.

در بسیاری از کشورهای اسلامی، نسبت مخارج عمومی به تولید ناخالص داخلی از سطح نسبی آن در کشورهای صنعتی فراتر می‌رود. در حالی که درآمد عمومی به عنوان نسبتی از GDP، از سطح آن در کشورهای صنعتی کمتر است. از این‌رو، گاهی اوقات تمایل به داشتن کسری بودجه دائمی امری عادی است،

بنابراین به شکل چشمگیری کسری‌های بودجه معمولاً^۱ با میزان زیادی افزایش پول که خود باعث افزایش فشارهای تورمی می‌شود همراه است. زمانی که کسری بودجه از طریق استقراض از بخش عمومی که شامل استقراض از بانک‌های تجاری است تأمین مالی شود، بیرون راندن^۲ بخش خصوصی اتفاق می‌افتد. معمولاً همراهی کسری بودجه با عدم توازن در بخش خارجی اوضاع را بدتر می‌کند.

از آنجایی که به نظر می‌رسد استقراض دولتی در همه موارد مشکل‌ساز باشد، بنابراین ایده «عدم خلق بدھی»^۳ به عنوان ابزاری برای کاهش شکاف بین درآمدها و مخارج عمومی، امری منطقی است. محیط ایده آل این جایگزین، اقتصادی خواهد بود که استقراض در آن به جای این‌که نقشی تبعی داشته باشد نقشی مستقل دارد. این امر به خصوص برای اقتصادی اسلامی قابل اجرا می‌باشد.

کسری‌های بودجه اساساً به وسیله افزایش درآمد، کاهش مخارج، استقراض داخلی از مردم، بانک‌های تجاری و بانک‌های مرکزی و همچنین استقراض خارجی پوشش داده می‌شود. از آنجایی که آزادی عمل محدودی هم برای کاهش مخارج و هم برای افزایش درآمد مالیاتی وجود دارد، فقط استقراض از منابع خارجی و داخلی به عنوان جایگزینی مناسب باقی می‌ماند. دولت در کشورهای مسلمان، همانند خیلی از کشورهای در حال توسعه این گزینه را اتخاذ کرده است و این امر منجر به افزایش بدھی‌های داخلی و خارجی شده است.

1. Crowding out
2. Non-debt creating

پژوهش حاضر ابزارهایی را در جهت تجهیز منابع عمومی که به جای تکیه بر اصول مالیاتی، مبتنی بر اصول مالیه اسلامی هستند، نشان می‌دهد. مؤلف نشان داده است که قراردادهای اسلامی مختلفی چون مرابحه، سلم، اجاره، استصناع و می‌تواند به عنوان یک مبنا به کار گرفته شود تا ابزارهای جدیدی در جهت تجهیز منابع بخش عمومی ایجاد گردند. بنابراین مؤلف پیشنوادهایی را برای ایجاد برخی از ابزارهای نوین مالیه اسلامی همچون اوراق اجاره، استناد سلم و اوراق استصناع ارائه داده است. این پیشنوادها شایسته تأملی جدی‌اند چرا که قادر به تأمین منابع لازم برای بخش عمومی بوده تا بدین وسیله از عدم تعادل‌هایی که معمولاً همراه تخصیص نادرست منابع به وجود می‌آید، جلوگیری کنند. امید است تا انتشار این پژوهش، مباحث روشنگر راجع به این موضوع را تشویق کرده و منجر به پیشرفت پژوهش تا سطحی امیدبخش در این حوزه‌های بادیع گردد.

مابد على الجرجى

رئیس مؤسسه آموزش و پژوهش اسلامی

مقدمه

بیان مسئله و هدف از پژوهش

کسری بودجه شکاف بین درآمد و مخارج عمومی است. درآمدها معمولاً از مالیات و دارایی عمومی به دست می‌آیند حال آن که مخارج ممکن است اهزینهٔ پروژه‌های توسعه اقتصادی و هزینه‌های جاری فعالیت‌های دولت باشند. کسری بودجه معمولاً با افزایش درآمدها، کاهش مخارج، استقراضِ داخلی از مردم، استقراض از بانک‌های تجاری یا بانک مرکزی و یا استقراض خارجی کاهش می‌یابد. این پژوهش ابزارهای اقتصاد اسلامی را در مواجهه با نیازهایی که معمولاً در اقتصاد متعارف به طور کامل با استقراض از مردم صورت می‌گیرد، آزمون می‌کند.

استقراض از مردم، چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای در حال توسعه، به مشخصه‌ای مهم برای اقتصادهای معاصر مبدل گشته است. در گذشته دولت‌ها در مواجهه با نیازهای مالی ناشی از جنگ‌ها و بلایای طبیعی، صرفاً به

۲۲ لـ ابزارهای مواجهه با کسری بودجه در اقتصاد اسلامی

استقراض از شهروندان ثروتمند خود روی می‌آورند. به هر حال دوران متنه‌ی به جنگ جهانی دوم، شاهدی بر افزایش چشم گیر در استقراض از مردم است، به ویژه این‌که استقراض برای تأمین مالی توسعه و استقراض برای کسری بودجه دائمی به فهرست دلایلی اضافه می‌شوند که توسل به استقراض از مردم را توجیه می‌کند.

ادیبات [اقتصاد] اسلامی پیرامون بدھی عمومی بسیار ناچیز است. تنها پس از ضربه ناشی از بحران بدھی بین‌المللی دهه ۱۹۸۰، اقتصاددانان مسلمان پیرامون این مسئله شروع به بحث کردند. کارگاهی توسط مؤسسه بین‌المللی اقتصاد اسلامی اسلام آباد (UIA) درمورد حذف بهره از معاملات دولتی در سال ۱۹۸۴ تشکیل شد که تا حدودی به بدھی‌های عمومی رسیدگی می‌کرد و نشستی نیز درمورد بدھی عمومی و کسری بودجه در جریان سینیاری که توسط همین مؤسسه ترتیب داده شده بود در مورد سیاست مالی و برنامه ریزی توسعه در اسلام در سال ۱۹۸۶ برگزار شد.

با کثارگذاشتن چند استثناء، آنچه نوشته می‌شود متوجه علل بحران بدھی است و به بدھی بین‌المللی کشورهای مسلمانی اشاره دارد که می‌شود از آن بدھی‌ها با شکل‌دادن به استقراض از مردم در اقتصاد اسلامی و قرار دادن آن به جای بدھی‌های خارجی، نیاز این کشورها را برآورده ساخت. این پژوهش نه به نیازها می‌پردازد و نه به علل کسری بودجه در اقتصاد اسلامی، بلکه بیشتر بر ارائه ابزارهای مواجهه با کسری بودجه‌ای که مطابق شریعت اسلامی است تمرکز دارد بدین معنی که به جایگزین‌های اسلامی استقراض عمومی می‌پردازد. بنابراین

موضوعات مربوط به علل و شرایط بدھی‌های عمومی داخلی و خارجی و همچنین موضوع اندازه بخش عمومی و کالاها بی که باید به وسیله دولت تدارک دیده شوند، همگی از حیطه بحث خارجند.

ارتباط و اهمیت این مطالعه

امروزه بیشتر کشورهای مسلمان، میزان بسیار زیادی بدھی عمومی دارند، و بدھی‌های تعدادی از آن‌ها سال به سال با استقراض‌های جدید در حال افزایش است.^۱ اگر فعالیت‌های اقتصادی، مالی و بانکداری به شکلی سازمان یافته‌اند که سازگار با شریعت بوده پس بدھی‌های عمومی نیز باید به قالب‌های قابل قبولی از مالیه اسلامی تبدیل شوند.

از این گذشته، بیشتر کشورهای مسلمان، هنوز نیازهای فراوانی در جهت ساخت و بسط زیربنای‌های اقتصادی خود دارند. بدین منظور نیازمند تجهیز منابع جدید مالی، هم از درون و هم از بیرون هستند. همچنین احتیاجات پیش‌بینی نشده‌ای همچون بحران‌های نظامی، بلایای طبیعی و نیز تعديلات بودجه‌ای کوتاه‌مدت و میان‌مدت باید به عنوان دلایلی برای استقراض عمومی مد نظر قرار گیرند.

از این رو این مطالعه به مسئله‌ای عملی مربوط به بکارگیری شریعت در فعالیت‌های اقتصادی و مالی کشورهای مسلمان پرداخته و در مطالعات اسلامی

۱. مقاله محمد عمر چپرا با عنوان «Islam and the International Debt Problem» نموده‌ای از آن است. مقاله منتشر نشده و سخنرانی ارائه شده در بنیاد اسلامی، داک، بنگلادش، ۲۵ جولای، ۱۹۹۱.

۲۴ لـا ابزارهای مواجهه با کسری بودجه در اقتصاد اسلامی

کردن کشورهای مسلمان شرکت می‌جوید. بنابراین می‌تواند مورد توجه کشورهای مسلمان قرار گیرد به خصوص این‌که می‌تواند به فرآیند تجهیز منابع مالی در جهت استفاده عمومی کمک کند آن هم در وضعیتی که با احساسات، تمایلات و باورهای مردم مسلمان چه در کشورشان و چه در عرصه بین‌المللی سازگار است، به عبارتی دیگر، این پژوهش سبب نمایان شدن ابزارهای اسلامی انتقال و جوهر عمومی و خصوصی در میان کشورهای اسلامی می‌گردد.

این پژوهش شامل چهار بخش است. در بخش اول، کلیات تأمین مالی و استقرار از مردم در اسلام را به طور خلاصه به عنوان مقدمه‌ای برای این موضوع مورد بحث قرار خواهم داد. از آنجایی که تدارک کالاهای عمومی فراتر از حدود تضمین شده به وسیله درآمدهای عمومی، قابل تصورترین دلیل کسری بودجه است، بخش دوم متمرکز است بر تدارک کالاهای عمومی و رویکردهای جایگزینی که نقش دولت و در نتیجه فشار بر کسری را در رابطه با نکته مذکور کاهش می‌دهد.

در بخش سوم، به ابزارهایی جهت تجهیز منابع عمومی اشاره خواهیم کرد که می‌تواند بر اساس اصول مالی اسلامی غیر از مالیات گسترش یابد. در این بخش همچنین به ابزارهای غیربازاری استقرار از مردم یعنی استقرار از بانکهای تجاری و بانک مرکزی، اشاره‌ای کوتاه خواهیم داشت.

و سرانجام، در بخش چهار به نتایج و خلاصه پژوهش خواهیم پرداخت.



اصول استقراض از مردم و تأمین مالی در اسلام

آشکال مختلفی از استقراض از مردم در زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) وجود داشت^۱. همچنین موارد مشهوری از استقراض توسط حکومت مسلمانان در زمان عباسیان^۲ و عثمانیان و به طور آشکار از اواسط قرن نوزدهم توسط

۱. محمد نجات الله صدیقی هفت مورد استقراض توسط پیامبر(ص) را ذکر می‌کند که هدف در دو مورد از آن‌ها، رفع نیازهای شخصی افراد خاصی بوده است. نگاه کنید به محمد نجات الله صدیقی،

«Public borrowing in early Islamic history»، مقاله ارائه شده در سومین همایش بین‌المللی وام‌های نسبتاً کلان اسلامی. یک وام به شکل جنسی بود و یک وام به شکل نقابی. وی این مسئله را برای اقتصاد دفاع اقتباس کرد، کوالا‌لامپور، ۲۹-۳۱ ژانویه ۱۹۹۱، صص ۴۴-۴.

۲. همان، صص ۲۳-۱۹ بابر منابع تحقیق صدیقی، بعضی استقراض‌های عباسیان با وضع بهره همراه بوده است.

۲۶ لـ ابزارهای مواجهه با کسری بودجه در اقتصاد اسلامی

حکومت‌های جدید مسلمان به کار رفته است.^۱ استقراض حکومت عثمانی و مصر در قرن نوزدهم اساساً به صورت خارجی، آن‌هم از بانکداران و دولت‌های خارجی بود.

قابل توجه این که استقراض‌های اولیه یعنی استقراض در زمان پیامبر(صلی الله عليه و آله وسلم) و عباسیان، صدور هیچ گونه ابزار بدھی را در پی نداشت. به هر حال ممکن است این عمل وزرای خزانه‌داری عباسیان قابل درک باشد که هرگاه به استقراض اقدام می‌کردند در عوض باید تعدادی «اسناد بدھی» به قرض دهنده‌گان تحویل می‌دادند. و اینکه دادوستدهای بیت‌المال در آن زمان همیشه ثبت و مستند شده، امری محرز است اما هیچ گزارشی، چه در مورد شکل اسناد بدھی و چه در مورد قابل معامله بودن آن‌ها در دست نیست.

علاوه بر این، استقراض از مردم برای فقهای متقدّم شناخته شده بود. برای نمونه، الماوردي (صفحه ۲۱۵) پیرامون استفاده از استقراض و بازپرداخت دیون به خزانه، صحبت کرده و بحث می‌کند که حاکمان بعدی موظفند تا چنین وام‌هایی را بازپرداخت کنند.

حال باید تا اواخر دهه ۱۹۶۰ در کشورهای مسلمان متظر رشدی چشم‌گیر در بدھی‌های عمومی باشیم. جدول شماره یک نشان می‌دهد استقراض عمومی که در سال ۱۹۷۰ در یکی از یازده کشور مسلمان به بیش از ۵۰٪ GDP رسیده بود در

۱. [مترجم] البته وجود مناسبات خاص اقتصادی در زمان عباسیان برای منتبه کردن آن‌ها به اسلام کافی نیست. با توجه به محتوای این بخش، بهتر آن بود که مؤلف در عنوان آن از تأمین مالی در حکومت‌های مسلمان استفاده می‌نمود.

فصل ۱. اصول استقراض از مردم و تأمین مالی در اسلام ۷۷

سال ۱۹۸۸ تقریباً در تمام یازده کشور به بیش از ۵۰٪ GDP و در چهار کشور به بیش از ۱۰۰٪ GDP رسید. این جدول همچنین ضعف بدھی داخلی در بیشتر کشورهای مسلمان را در برابر مقدار زیاد بدھی عمومی آن‌ها، نشان می‌دهد.^۱

در سال ۱۹۸۸ در سه کشور، بدھی عمومی خارجی به بیش از ده برابر بدھی داخلی رسید. این مطلب بر نیاز به گسترش ابزارهای تجهیز منابع تأکید دارد، ابزارهایی که به منظور حذب بدھی از داخل کشور و همچنین از افراد مسلمان خارج از کشور چه آن‌هایی که تبعه کشورهای وام گیرنده هستند و چه آن‌هایی که نیستند، می‌توانند مورد توجه مردم مسلمان فرار گیرد.

بیان و عبارات بیان شده در تحریم قرآنی ربا نسبت به عبارات استفاده شده در هر تحریم دیگر، دارای بیان تندتری است، و جایگزین تأمین مالی مبتنی بر ربا در قرآن، بیع است (سوره بقره آیه ۲۵۷). سنت، این اصول را تأیید کرد و اصول تسهیم در سود و زیان و تسهیم در محصول را بدان اختلاف نمود. بدیهی است از رابطه قرض دادن- قرض گرفتن در سنت به عنوان عملی نیکو یاد شده که توسط خداوند به آن پاداش تعلق می‌گیرد. به هر حال از آن جایی که قرض هیچگونه

۱. [مترجم]: یعنی سهم کمی از بدھی عمومی از استقراض داخلی تأمین شده و بیشتر آن از استخراج خارجی تأمین شده است.

۲. همچنین آیات ۲۷۶ و ۲۸۰ سوره بقره به صدقه و اعطای فرصت به مديون آن هم بدون هیچ‌گونه مطالبه‌ای اشاره دارد. اما از آن جایی که هر دو مورد ذاتاً اموری خبریهای هستند، از این رو نمی‌توانند جایگزینی برای تأمین مالی مبتنی بر ربا ایجاد کنند. در عمل وامدهنده انتظار هیچ‌گونه بازدهی را از این دو فعالیت نداشته در حالی که در ربا عایدی وجود دارد. بنابراین یک جایگزین کامل ربا باید عایدی مشروعی را به وامدهنده پرداخت کند.

۲۸ لـ ابزارهای مواجهه با کسری بودجه در اقتصاد اسلامی

بازدهی را برای قرض دهنده ایجاد نمی‌کند، انگیزه‌های آن نیز بیشتر از هر چیزی، غیر اقتصادی است. ادامه این بخش به اصول تأمین مالی اسلامی مبنی بر بازده^۱ اختصاص خواهد داشت و شرایط استقرار از مردم در بخش سه مطرح خواهد شد.

کشورها	سال ۱۹۸۸						سال ۱۹۸۰						سال ۱۹۷۰*						
	داخلی		خارجی		داخلی		خارجی		داخلی		خارجی		داخلی		خارجی		داخلی		
	میزان	درصد GDP	میزان**	درصد GDP	میزان	درصد GDP	میزان	درصد GDP	میزان	درصد GDP	میزان	درصد GDP	میزان	درصد GDP	میزان	درصد GDP	میزان	درصد GDP	
الیزابیر	N/A	N/A	۲۶.۹	۶۷.۶	N/A	N/A	۱۶.۹	۶۱.۸	۲.۵	۱۰.۵	۰.۹	۱۹.۸	N/A	N/A	۰.۱	۱۲.۷	کمرون	۰.۲	
پاکستان	۴.۱	۴.۲	۳۳.۷	-۱۷.۲	-	-	۲.۵	۳۶.۸	N/A	N/A	N/A	N/A	۱.۷	۲۲.۰	مصر	۹.۲	۵۰.۱	۱۴۲.۵	-۰.۲(۱۹۷۹)
اردن	۰.۹	۶۲.۰	۵.۰	۱۱.۰	۰.۲	۱۴.۸	۲.۰	۶۹.۶	۰.۲	۶.۷	۰.۱	۲۲.۹	۰.۹	۶۲.۰	۰.۲	۲۰.۰	۷۰.۰	۷۰.۰	۷۷.۰
مالزی	۷.۹	۸.۳	۲۰.۰	۷۷.۰	۲.۳	۶.۳	۷.۶	۷۸.۰	۲.۱	۲.۵	۱.۶	۱۰.۸	۰.۶	۱۰.۸	۰.۶	۱۰.۷	۱۰.۷	۱۰.۷	۱۰.۷
مرکش	۳.۸	۲.۶	۱۹.۹	۱۰۰.۹	۳.۶	۶.۶	۹.۷	۵۷.۲	۳.۶	۱.۷	۱.۷	۱۷.۷	۰.۱	۱۷.۷	۰.۱	۱۷.۷	۱۷.۷	۱۷.۷	۱۷.۷
سنگال	N/A	N/A	۳.۶	۷۶.۶	۰.۰۱	۱.۶	۱.۳	۶۰.۷	۰.۳	۶.۸	۰.۱	۵۳.۳	N/A	N/A	۰.۱	۵۳.۳	۰.۱	۵۳.۳	۰.۱
سودان	N/A	N/A	۱۱.۸	۱۲۶.۳	۰.۰۲	۰.۵	۰.۲	۷۸.۰	۰.۰۱	۱.۷	۰.۳	۱۴.۸	۰.۰۱	۱۴.۸	۰.۰۱	۱۴.۸	۰.۰۱	۱۴.۸	۰.۰۱
تونس	۱.۱	۱۲.۳	۶.۷	۷۱.۰	۰.۳	۸.۹	۳.۰	۶۱.۶	(۱۹۷۹)	۱۲.۵	-	-	۰.۱	۱۲.۵	۰.۱	۱۲.۵	۰.۱	۱۲.۵	۰.۱
ترکیه	۱.۲(۱۹۸۹)	۲.۹	۳۹.۶	۵۷.۷	۰.۰۳	۳.۱	۱۹.۱	۳۶.۷	۳.۲	۲.۱	۱.۹	۱۶.۰	N/A	N/A	N/A	N/A	N/A	N/A	N/A

۱-۱. اصل بیع

اصل بیع در تأمین مالی و در جهت تدارک عوامل فیزیکی تولید، نهاده‌های واسطه‌ای و یا کالا و خدمات مصرفی در مقابل پرداخت قسطی (و مؤجل) بیان

1. Based on return

* بر حسب میلیارد واحد پول رایج کشور

** بر حسب میلیارد دلار آمریکا

فصل ۱. اصول استقراض از مردم و تأمین مالی در اسلام ۲۹

شده است. از این رو مبیع می‌تواند از نوع کالا یا خدمات باشد، چه آن‌هایی که به جهت اهداف تولیدی و چه آن‌هایی که در جهت اهداف مصرفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش تأمین مالی می‌تواند به وسیله واسطه‌های مالی (همچون بانک‌های اسلامی)، صاحبان عوامل تولید، یا دیگر عاملان و واسطه‌های اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد.

این اصل، معاملات مبتنی بر بیع و همچنین اجاره را پوشش می‌دهد چرا که اجاره نوعی فروش منفعت است، اگرچه تفاوت‌های اندکی در شرایط و مشخصات فقهی هر کدام از این دو نوع قرارداد وجود دارد. بیع به عنوان روشی برای تأمین مالی شامل پرداخت مؤجل (قسطی) فروش، استصناع^۱ و سلم می‌گردد.

۱. [مترجم]: استصناع همان قرارداد سفارش ساخت است؛ بدین نحو که فردی (اعم از حقیقی یا حقوقی) از صنعتگر و یا تولید کننده‌ای (اعم از حقیقی یا حقوقی) درخواست کند که کالا یا تعدادی کالا با مشخصات خاصی را برای او بسازد و در مقابل در زمان یا زمان‌های موردن توافق قیمت آن پرداخت گردد. در طرق صحیح دانستن استصناع از روش‌های مختلفی می‌توان استفاده نمود. شاید بتوان آن را در قالب اجاره، جuale، بیع سلف و یا صلح قرار داد. شاید هم بتوان استصناع را عقدی مستقل از مابیر عقود دانست. در استفاده از اجاره لازم به توضیح است که تفاوتی بین این دو وجود دارد؛ در اجاره فردی که خواستار کالاست می‌باشد مواد اولیه و امکانات تولید کالا را برای اجیر فراهم نماید در حالی که در استصناع مورد استفاده در زمان کنونی اینظور نیست. راجع به بیع سلم نیز همان‌گونه که بعداً ذکر می‌گردد فرق اساسی‌ای وجود دارد و آن موعد تحويل مبلغ است. در داخل نمودن سفارش ساخت در عقود دیگر همانند جuale نیز باید توجه داشت که در استصناع عین و عمل برای دستیابی به کالا، بر عهده‌ی تولیدکننده است و عامل بر مواد اولیه مالکیت دارد. اگر بخواهیم بر نظر خود در این رابطه پافشاری کنیم، در نگاه اول عقد صلح برای این کار مناسب‌تر از دیگر عقود به نظر می‌رسد که البته نیاز بیشتری به بررسی دارد. از آنجایی که در عقد صلح از نظر شیوه نیاز به نزاع سابق نبوده و مستقل از عقود

❷ دیگر می‌توان صلح نمود، بنابراین همانند اهل سنت که صلح را حتماً متفرع بر نزاع سابق می‌دانند با مشکل مواجه نخواهیم بود. اگر هم طبق نظر گروه دوم نخواهیم استصناع را در قالب عقدی دیگر صورت‌بندی نمائیم؛ باید در عدم مخالفت آن با موارد نهی شده در اسلام استدلال آورده و پس از آن طبق طلاق آیه « او فوا بالعقود» عمل نمود.

در صحت استصناع در امامیه همانظور که در پی می‌آید، شیخ طوسی(ره) از مخالفان صحت این قرارداد بوده و اکثر فقهای بعدی بدان منوال طی طریق نموده‌اند که البته دلایل بطلان این نوع قرارداد قبل خدشه است. در حالت کلی برای سفارش ساخت می‌توان سه شکل متصور بود: ۱-سفارش در قالب تمثیلک و تملک قطعی؛ طبق این ایده، استصناع نوعی بیع شمرده می‌شود و تفاوت آن با بیع معمولی در شرطیست که به همراه آن کرده‌ایم و این شرط خلاف مفهومی بیع نیست. شرایط صحت این نوع از سفارش وابسته به رعایت تمامی شرایط بیع سلم است؛ به بیان دیگر مبلغ مورد استفاده تولیدکننده باید در مجلس ایجاد عقد پرداخت شود. نزد امامیه شرط صحت سلم دریافت قیمت در مجلس بیع است. علامه(ره) بیان می‌دارد که اگر طرفین پیش از دریافت مبلغ از یکدیگر جدا شوند بیع سلم باطل است. صاحب جواهر(ره) نیز می‌گوید: «اگر خریدار و فروشنده پیش از دریافت قیمت از یکدیگر جدا شوند، از دیدگاه تمامی علمای ما، این معامله باطل است». دلایل نیز که امامیه در این امر بدان استناد می‌کنند آن است که اولاً فهم عرف از این نوع بیع مبتنی بر تحویل قیمت است؛ ثانیاً نهی رسول اسلام(صلی الله علیه و آله و سلم) از بیع دین به دین؛ ثالثاً این که اگر پرداخت قیمت در مجلس روی نداده معامله از نوع بیع کانی به کالی خواهد بود. و در نهایت نیز اجماع. خلاصه آن که اگر تحویل قیمت در مجلس را شرط بدانیم، به علت عدم تسلیم قیمت در معاملاتی که هم‌اکنون روی می‌دهد، نمی‌توان آن را تحت بیع سلم قرارداد برای بررسی دقیق‌تر ادله این حکم به مقاله «بیع استصناع» مراجعه شود. ۲-سفارش در قالب قراردادی قطعی؛ در این حالت انتقال ملکیت روی نداده ولی طرفین تقصیم قطعی بر این امر می‌گیرند که در قبال عمل دیگری دست به کاری بزنند. بر طبق این نظر، گرچه استصناع بیع نیست ولی از آن جایی که عقد است، احکام عقود آن را در بر می‌گیرد. از آن‌جا که آیه « او فوا بالعقود» شامل این قسم عقد می‌گردد باید وفا گردد. که البته این وابسته به همان مطلبی است که قبلاً ذکر گردید: ما در مواجهه با قراردادها کدام یک از دو نظر را می‌پذیریم. اگر قائل به این هستیم که عقود همان‌هاست که در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و سایر مخصوصین وجود داشته و بخواهیم قراردادها را در قالب ❸

فصل ۱. اصول استقراض از مردم و تأمین مالی در اسلام ۲۱

پرداخت مؤجل فروش معمولاً به فروش به سفارش دهنده خرید با قیمتی بالاتر، منجر می‌شود (یا «مرابحه للامر بالشراء»). اجاره نیز به صورت اجاره به سفارش دهنده خرید، تعریف می‌شود.

این مطلب این‌گونه محل بحث قرار گرفته که برخلاف تأمین مالی مبتنی بر ربا، مرابحه و اجاره وضعیتی را ایجاد نمی‌کند که در آن عایدی متعلق به وام‌دهنده از پیش معلوم باشد، زیرا فروشنده‌ای که در عین حال وام‌دهنده است (یا اجاره‌دهنده‌ای که در عین حال وام‌دهنده است) خود مخاطرات قطعی موجود در خرید، تملیک، فروش، میع یا اجاره عین مستأجره را به دوش می‌کشد.^۱ علاوه بر این در حالت اجاره، در مدت زمان عقد، شیء مورد عقد، مایملک وام دهنده باقی می‌ماند. همانند تأمین مالی مبتنی بر ربا، مرابحه بین دو طرف نیز، رابطه طلبکاری-بدهکاری را ایجاد می‌کند. از سویی دیگر برخلاف تأمین مالی مبتنی بر بهره، تأمین

۱ آن‌ها صورت‌بندی نماییم، طبعاً پذیرفتن رأی اخیر ممکن نیست. اگر هم در دسته‌ی دوم باشیم - یعنی تأمل کردن در قراردادهای جدید و سعی در بررسی مخالفت یا عدم مخالفت آن با مواردی که در اسلام نهی گردیده همچون وجود نص و یا حرمت ربا و ... - می‌توانیم به مقضای این‌که عرف عمل به پیمان سفارش ساخت را واجب می‌داند، رأی مذکور را پذیریم؛ به علاوه آن‌که اصل این قرارداد امری جدید نیست و در زمان مخصوصین نیز وجود داشته و می‌توانسته تحت شمول آیه «اوْفُوا بِالْعَهْدِ» قرار گیرد.^۳ سفارش در قالب وعده‌ای غیرقطعی: طبق همانچه که در عرف و فقه وجود دارد به استصناع به دیده‌ی گفتگوی قبیل از عقد نگاه شود؛ یعنی صرفاً بر مبنای وعده و احتمال استوار باشد. در این حالت جنہ‌الزام آوری برای طرفین وجود نداشته و آثار حقوقی‌ای نیز بر آن مترب نمی‌شود.

۱. معمولاً در منابع فقهی به این مخاطرات اشاره شده است. که شامل ریسک قرارداد (عقد)، ریسک ناشی از عیب کشف نشده و ... می‌شوند.

مالی مبتنی بر بیع، متعهد برقراری تناظری تمام و کمال با معاملات بازار واقعی یا فیزیکی است و مواجهه به جای تأمین مالی صرف، که دارای مفهومی محض است، شامل وامدهنده در روابطی مبتنی بر کالا می‌شود.

۱-۲. اصل تسهیم سود و زیان^۱

اصل تسهیم سود و زیان شامل شرکت و مضاربه می‌شود. اصل اسلامی تسهیم سود و زیان بر این دلالت دارد که سود در نتیجه هر توافقی حتی با وجود تقاضا در سهم هر یک از آن‌ها از سرمایه^۲، می‌تواند بین شرکاء تقسیم شود، اما زیان‌ها همیشه باید بر حسب سهم آنها از اصل سرمایه تقسیم شود چرا که شریعت، زیان را به عنوان کاهشی در اصل سرمایه تعریف می‌کند.^۳ در نتیجه، مضاربه می‌تواند به

1. Profit and loss sharing principle

2. Capital

^۱ مترجم: در نظر شیعه از اطلاق عقد شرکت چنین برداشت می‌شود که نسبت سود و زیان باید متناسب با اموال مورد عقد شارکت باشد؛ اما با تمسک به «المسلمون عند شروطهم» می‌توان به افزایش سود یکی از طرفین، آن‌هم بیشتر از سهم او در شارکت حکم نمود. توضیح آن‌که در عقد شرکت، آنچیزی که ملاک واقع می‌گردد سرمایه‌ی اولیه است. حال اگر شرط به زیادتی نسبت به سهم یکی از طرفین روی دهد سه قول وجود دارد: اول آن‌که شرط و به تبع آن عقد شرکت باطل است. شهید ثانی از قائلین به این نظر است. دوم آن‌که عقد و شرط صحیح‌اند. (همان‌که در ابتدای این بحث ذکر گردید). برخی از فقهاء به دنبال این مطالب آورده‌اند چنانچه در عقد شرکت شرط کنند که اگر ضرری حاصل شد متوجه یکی از شرکا باشند. اشکالی ندارد. سوم آن‌که عقد شرکت صحیح بوده ولی عمل به شرط لازم نیست.

فصل ۱. اصول استقراض از مردم و تأمین مالی در اسلام ۲۳

عنوان شکل خاصی از شرکت مطرح شود چون از آنجایی که سهم مضارب از اصل سرمایه صفر است بنابراین سهمی از زیان را نیز نمی‌برد.^۱

شرکت مستلزم آن است که وامدهنده هم اصل سرمایه و هم مدیریت را تقسیم کند به این معنی که در فرآیند تصمیم‌گیری شرکت نماید. مضاربه مستلزم آن است که وامدهنده یا همان صاحب سرمایه، اصل سرمایه را تدارک دیده و خود را از تصمیمات مدیریتی دور نگاه دارد.^۲

ناتوانی مضاربه در اعطای مجوز به بانکدار برای شرکت در تصمیمات مدیریتی و اعمال تحقیقی کارا پیرامون صداقت گزارشات مالی خود، احتمالاً عده دلیل مستتر در موقوفیت ناچیز بیشتر بانک‌های اسلامی است، بنابراین بانک‌ها باید جرأت استفاده از این روش تأمین مالی را در سمت فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خویش بیابند. این امر ممکن است مستلزم تجدید نظر در رأی فقهی غالب که به صاحب پول اجازه هیچ‌گونه دخالتی را در مضاربه نمی‌دهد، باشد.^۳ این حادودی

۱. نگاه کنید به م. فهیم خان، همان، صص ۵-۲ و جدول شماره ۱ در صفحه ۹

۲. این مطلب مطابق نظر اکثریت فقهاء است. به هر حال حنبله قائل به این هستند که صاحب سرمایه در کنار مضارب در تصمیمات مدیریتی دخالت می‌کند. نگاه کنید به منذر حفظ، مفهوم التمويل في الاقتصاد الاسلامي، IRTI، ۱۹۹۱.

۳. [مترجم]: مستله دخالتِ مالک در عمل عامل را به دوشکل می‌توان مورد بررسی قرار داد. ابتدا آن که آیا بدون هیچ‌گونه شرطی چنین اجازه‌ای وجود دارد؟ و یا این که به کمک شرط ضمن عقد می‌توانیم برای مالک حق دخالت و نظارت و ... در عمل عامل قائل شویم؟
شاید ریشه‌ی این حالت را بایستی در بقاء یا عدم بقاء مالکیت مالک در عقد مضاربه بر روی مال دانست. احتمالاً اگر پس از شروع عامل به عمل، هنوز مالکیت مالک بر مال وجود داشته باشد، می‌تواند

که توسط حنابله ارائه شده است که مضاربه‌ای دو نفره با سرمایه یک نفر را جائز می‌دانند (به این معنی که صاحب سرمایه مدیریت را با شریک عامل خود تقسیم می‌کند)، ممکن است مبنای شایسته را برای یک چنین تجدیدنظری فراهم دیده باشد. به بیانی دیگر، تجربه کنونی بانک‌های اسلامی می‌تواند نشان دهد که پروراندن مضاعف مضاربه از لحاظ تئوری و به طور محض، در جذب بانکداران مسلمان برای استفاده از مضاربه در فعالیت‌های مالی خود موفق نبوده است. این

بر نحوه تصرف در آن نیز نظرش را از باب «الناس مسلطون علی اموالهم» اعمال کند.(منظورمان از نحوه تصرف غیر از آن است که بدعنوان قید در روایات از طرف مالک برای عامل گذاردۀ می‌شود و بدعنوان مثال مضاربه در مکان و یا با محصول خاصی شرط می‌کنند.) درین اهل سنت بشایر اظهارات مؤلف کتاب "الفقه الاسلامی و ادنه" مال در دست عامل است و مضاربه همراه با بقاء مالک بر مالکیت صحیح نمی‌باشد؛ و این شرط مورد توافق ابی حیینه، مالک و شافعی است اما حنابله معتقد به بقاء ملکیت مالک بر مال در مضاربه هستند. درین فقهاء کنونی شیعه این مطلب پذیرفته شده است که مالک از لحاظ مدیریت و نظارت بر عمل عامل، برای خود مستولیتی قائل گردد (البته اگر تصرفات عامل در مال، مشروط به شرطی مثل نظارت غیر باشد). در بررسی این امر باید توجه نمود که به‌طور کلی احکام و قواعد موجود در باب عبادات تفاوتی اسامی با احکام باب معاملات و عقود دارند. در عبادات، همگی اذکار و حرکات و ... توقیفی بوده و می‌توان ادعا نمود که در نحوه انجام هیچ‌یک، عرف دخالتی ندارد. در معاملات و عقود اما این‌گونه نیست و ادعای ما آن است که غیر از مواردی که در نصوص راجع به این می‌بحث وارد شده (همانند حرمت ربا، نهی از غرر و ...) به حکم آیاتی چون «اوْفُوا بِالْمَقْوُدَ»، شارع نقش امضاکنندگی را دارد. شاید خاستگاه این مسئله که مالک در عمل عامل کنترل و نظارت داشته باشد به دوران اخیر بازگردد که با نحوه جدید روپردازی شدن با سودها و یا منافع کلانی که در امر مضاربه به وجود می‌آید، مالک خواستار اعمال نظارت بر کار عامل باشد. چه بسا امکان دارد نوعی عقد[موافق با شرع] در زمانی وجود داشته باشد و در زمانی دیگر به‌واسطه بسیاری از شرایط مورد استقبال قرار نگیرد و عقایل موافق با شرع[ا] دیگری کارکرد آنرا بر عهده بگیرد.

فصل ۱. اصول استقراض از مردم و تأمین مالی در اسلام ۲۵

امر مستلزم ایجاد مدلی از مداخلهٔ مالی مبتنی بر قاعده‌ایست که در آن مضارب، وجوده مضاربه را جهت تأمین مالی بر اساس اصل بیعی که در رویهٔ بانک‌های اسلامی از ۱۹۷۶ مستولی شده است، استفاده کند.

سرانجام این‌که، دو شکل دیگر از کاربرد اصل تسهیم سود و زیان که معمولاً دارای نامهای متفاوتی نیستند وجود دارد. یکی موردي است که توسط حنابله ذکر شد که در آن صاحب مال حق تقسیم تصمیم‌های مدیریتی را به همراه مضارب حفظ می‌کند، که پیشتر شرح داده شد، به طور مثال: «دو نفر و سرمایه یک نفر». شکل دیگر موردي است که در آن مضارب، سرمایه‌ی خود را با وجوده بدست آمده از صاحب سرمایه مخلوط می‌کند. این شکل ممکن است بر مضاربه معمول ترجیح داده شود چرا که این امر به انگیزه شخصی مضارب بها می‌دهد.^۱

۱-۳. اصل تسهیم محصول^۲

سومین اصل تأمین مالی برگرفته از فعالیت‌های قدیمی در کشاورزی می‌باشد که در اسلام امضاء گردیده و برای مطابقت با ارزش‌های اسلامی مورد بازسازی قرار گرفته است. مزارعه و مساقات به ترتیب تسهیم محصولات برای زمین‌های قابل کشت و مبوههای درختان هستند. بدین ترتیب زمانی محصول (و نه سود)

۱. [مترجم: باید توجه نمود که در این صورت دیگر عقد مضاربه به این حالت صدق نمی‌کند چرا که تبدیل به عقد شرکت گردیده، در مضاربه مالک مسئول پرداخت عین و عامل در پی کسب سود می‌رود. در ماده ۵۴۶ قانون مدنی ایران نیز این گونه آمده که: «مضاربه عقدی است که به موجب آن احد متعاملین سرمایه می‌دهد. با قيد اينکه طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شريک باشند».

2. Output sharing principle